

## روسیه و حوزه مشترک‌المنافع: تحولات منطقه‌ای، ابعاد و پیامدهای جهانی

### منوچهر مرادی<sup>۱</sup>

مهمترین تحولات در روسیه و کشورهای حوزه مشترک‌المنافع در سال ۱۳۸۷، جنگ روسیه و گرجستان در قفقاز، انتقال قدرت و رکود اقتصادی در روسیه و برخی کشورهای منطقه، نزاع بر سر آب و انرژی در آسیای مرکزی و تعطیلی پایگاه هوایی ماناس در قرقیزستان بود. به‌علاوه، برخی تحولات نظیر برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی در این کشورها قابل ذکر است. این تحولات هر چند منشأ داخلی داشتند لکن برخی از آنان، از وقایع و روندهای جهانی نظیر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، کاهش قیمت نفت و بحران مالی بین‌المللی تأثیر پذیرفتند. از سوی دیگر، برخی تحولات در این حوزه نظیر جنگ روسیه و گرجستان و انتخابات ریاست جمهوری در روسیه، پیامدهای فرامنطقه‌ای به همراه داشتند. در این چارچوب، مقاله حاضر ضمن تحلیل و ارزیابی مهمترین تحولات در سه حوزه روسیه، قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی در سال ۱۳۸۷، تلاش خواهد کرد تا با نگاه به روندهای کنونی، تصویری از آینده تحولات در منطقه را نیز ارائه نماید.

### الف) تحولات روسیه

گرچه جنگ روسیه و گرجستان را می‌توان مهمترین تحول در رابطه با روسیه در سال گذشته دانست لکن به دلیل ابعاد متنوع، زمینه‌ها و پیامدهای آن، به‌طور جداگانه در بخش تحولات قفقاز جنوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت و در

۱. رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز.

این بخش تنها به تحلیل مهمترین وقایعی که در سال گذشته در روسیه روی داده است پرداخته خواهد شد.

**انتقال قدرت در روسیه:** در روسیه، انتقال قدرت از «ولادیمیر پوتین» به «دمیتری مدویدوف» تحولی مهم لکن قابل پیش‌بینی بود. مدویدوف که خود مورد تأیید پوتین بود، بر ادامه مسیر طی شده در هشت سال ریاست جمهوری پوتین تأکید نمود. طرح پوتین برای روسیه، در واقع استراتژی توسعه سریع اقتصادی تا سال ۲۰۲۰ بود که روسیه را از اتکالی به صادرات نفت و گاز رها می‌کرد. براساس این برنامه، سرمایه‌گذاری فراوانی بر روی صنایع حیاتی و زیرساخت‌های حمل و نقلی، رفاه اجتماعی و نظام آموزشی اختصاص می‌یافت. مبارزه با فساد اعلام و قوانین و مقررات متعددی در این رابطه به تصویب رسید. به‌علاوه، مدویدوف خود را به عنوان یک رهبر جهانی با افکار باز و سیاست‌مداری که غرب می‌تواند به خوبی با او تعامل نماید، معرفی نمود.

پس از انتخاب مدویدوف، با ابراز تمایل پوتین برای ابقا در قدرت و حاکمیت، وی پست نخست‌وزیری را در اختیار گرفت. آن چه بیش از انتخاب مدویدوف و انتصاب پوتین توجه کارشناسان مسائل روسیه را به خود جلب نمود، ساختار قدرت در روسیه و میزان اقتدار رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر بود. اگر تا قبل از این به دلیل اقتدار کامل رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر روسیه همواره مجری سیاست‌های وی بود، اکنون ولادیمیر پوتین هم به دلیل ویژگی‌های فردی و هم به دلیل افزایش اختیارات نخست‌وزیر، هم‌تراز رئیس‌جمهور در اداره امور سهیم است. این نکته مورد تأیید بسیاری از آگاهان مسائل روسیه قرار گرفت که نخست‌وزیر پوتین با استقرار در اوستیای شمالی، جنگ با گرجستان را فرماندهی می‌کرد.

در کنار انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات پارلمانی روسیه (دوما) نیز در سال ۱۳۸۷ با پیروزی مطلق حزب روسیه متحد به رهبری ولادیمیر پوتین برگزار گردید. به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران، این رویداد ضمن آن که یکپارچگی قدرت در روسیه را تضمین می‌کند، دست پوتین را برای اعمال قدرت بیشتر در ساختار سیاسی روسیه بازتر خواهد کرد. همچنین پوتین با تسلط بر پارلمان روسیه، این امکان را خواهد یافت تا در صورت نیاز، رئیس‌جمهور را تحت فشار قرار دهد. گرچه در شرایط کنونی شواهد محکمی مبنی بر اختلاف‌نظر اساسی میان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر وجود ندارد و تحلیل‌های موجود عمدتاً مبتنی بر گمانه‌زنی و سناریوسازی رسانه‌ها و تحلیل‌گران غربی

است لکن گستردگی مسائل و پیچیدگی مشکلات پیش روی روسیه، بروز اختلاف‌نظر بین دمیتری مدویدف و ولادیمیر پوتین را امکان‌پذیر می‌سازد. البته همان‌گونه که «تیموتی کولتون» مدیر مرکز مطالعات روسیه و اوراسیا در دانشگاه هاروارد می‌گوید، «بسیار غیر محتمل است که تصور کنیم مدویدف از توان کافی برای برکنار کردن پوتین از پست نخست وزیری برخوردار باشد». وی می‌گوید: «مدویدف قادر به انجام این کار نیست و وی حتی قادر نیست از پوتین انتقاد کند. این امر مخالف ماهیت کار سیاسی در روسیه است».<sup>(۱)</sup> طی سال گذشته، همچنین دومای دولتی روسیه قانون افزایش دوره ریاست جمهوری به شش سال و نمایندگی پارلمان به پنج سال را تصویب نمود. این اقدام با توجه به شرایط موجود و پیش‌بینی تداوم حاکمیت تیم پوتین-مدویدف، می‌تواند به مفهوم فراهم کردن چارچوب قانونی بازگشت و ادامه طولانی مدت ریاست جمهوری پوتین ارزیابی گردد. برآیند روندها و تحولات فوق آن است که تفکر و سیاست‌های پوتین برای سال‌های متمادی بر روسیه حاکم خواهند بود و به گفته «اولگا کریشتانو فسکایا» جامعه‌شناس سیاسی روس «تمامی چهره‌های قدرتمند و با نفوذ در روسیه از مردان ولادیمیر پوتین می‌باشند».<sup>(۲)</sup>

**رکود اقتصادی روسیه:** در حالی که اقتصاد روسیه در پرتو سیاست‌های موفق اقتصادی و افزایش قیمت نفت، در مسیر شکوفائی قرار داشت، بحران مالی بین‌المللی به همراه کاهش شدید قیمت نفت و جنگ با گرجستان، نه تنها رشد اقتصادی در روسیه را متوقف نمود بلکه در روزهای پایانی سال ۲۰۰۸ میلادی، اقتصاد روسیه به‌طور رسمی وارد رکود شد و با هجوم مردم به بانک‌ها برای خارج ساختن پس‌اندازهای خود و مبادله روبل با ارزهای خارجی، نظام بانکی روسیه در آستانه فروپاشی قرار گرفت.

نگاهی به آمار و ارقام ارائه شده از منابع مختلف در خصوص شاخص‌ها و شرایط اقتصادی روسیه به تحلیل دقیق‌تر وضعیت کنونی اقتصاد کمک خواهد کرد:

تولید ناخالص داخلی روسیه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ از ۱۹۶ میلیارد دلار به ۱۲۲۴ میلیارد دلار رسید و با ۴۶۴ میلیارد دلار ذخایر ارزی، رتبه سوم جهان پس از چین و ژاپن را کسب کرد. شرکت‌های روسی دارایی‌های خارجی خود را تا ۲/۵ برابر افزایش داده و طی دو سال گذشته به رقم ۶۰ میلیارد دلار رساندند. بازار بورس روسیه شکوفا شد و اعتماد به روسیه در جهان افزایش یافت.<sup>(۳)</sup> اما در نیمه دوم سال ۲۰۰۸ با کاهش قیمت نفت و رسیدن امواج بحران بین‌المللی اقتصادی به سواحل روسیه، شرایط

برای روسیه کاملاً دگرگون شد. در پائیز سال ۲۰۰۸، قیمت نفت طی سه ماه با کاهشی به میزان ۶۰ درصد، از ۱۴۰ دلار در هر بشکه در نیمه تابستان، به کمتر از ۴۰ دلار در آذرماه رسید. این وضعیت موجب کاهش شدید ذخایر بانک مرکزی روسیه و افت نرخ برابری روبل در مقابل دلار به میزان ۲۰ الی ۲۵ درصد شد. همزمان، بازار بورس روسیه نسبت به وضعیت آن در آوریل، به میزان ۷۵ درصد کاهش پیدا کرد و موجب از دست‌رفتن ثروت فراوانی از مردم روسیه شد. افزایش بیکاری دیگر پیامد شرایط ناگوار اقتصادی در روسیه بود و در حالی که نرخ بیکاری در سال ۲۰۰۷ صفر بود، در سال ۲۰۰۸ تعداد بیکاران روسیه به ۱/۵ میلیون نفر رسید.<sup>(۴)</sup> بر اساس اعلام سرویس آمار دولتی روسیه، نرخ بیکاری در روسیه در ژانویه ۲۰۰۹ به ۸/۱ درصد رسید که بالاترین نرخ آن در شش سال گذشته می‌باشد.<sup>(۵)</sup>

کاهش موازنه تجاری روسیه نیز دیگر شاخص قابل اشاره است. گمرک روسیه اعلام کرد صادرات روسیه در ژانویه ۲۰۰۹ بالغ بر ۱۷ میلیارد دلار بود که بیانگر کاهش ۵۰/۲ درصدی در قیاس با ژانویه ۲۰۰۸ بود. واردات نیز با کاهش ۳۷/۴ درصدی، به ۸/۷ میلیارد دلار رسید. موازنه تجاری روسیه در ماه ژانویه با کاهش ۴۶/۶ درصدی، به ۲۵/۷ میلیارد رسید.<sup>(۶)</sup>

خبرگزاری روسی ایتر تاس در تاریخ ۱۷ فوریه ۲۰۰۹ به نقل از آندره کلپاچ معاون وزیر توسعه اقتصادی روسیه در فوریه ۲۰۰۹ خبر داد که «تولید ناخالص داخلی روسیه از منهای ۰/۲ به منهای ۲/۲ درصد خواهد رسید». وی همچنین گفت که براساس پیش‌بینی‌های جاری، تولید صنعتی روسیه (برای سال ۲۰۰۹) به کمتر از ۷/۴ درصد خواهد رسید.<sup>(۷)</sup> نهایتاً اینکه تورم در روسیه در پایان سال ۲۰۰۸ به ۱۳/۵ درصد رسید و ذخایر ارزی این کشور با کاهشی معادل ۵۰ میلیارد دلار مواجه شد. اگر به تمامی شاخص‌های فوق، گسترش فساد اداری و اقتصادی در روسیه را بیفزاییم، دشواری شرایط محسوس‌تر خواهد شد. لازم به ذکر است که فساد یکی از مهمترین مشکلات روسیه است و این کشور بر اساس گزارش (Transparency International Corruption Perception Index) در سال ۲۰۰۷ با قرار گرفتن در رده ۱۴۳ در میان ۱۷۹ کشور جهان، فاسدترین کشور بزرگ جهان است.<sup>(۸)</sup>

چنین وضعیتی موجب شده است که گمانه‌زنی‌های مختلفی از سوی مخالفین داخلی و کارشناسان خارجی در خصوص تأثیرات احتمالی بحران اقتصادی بر اوضاع

سیاسی این کشور ارائه گردد. برخی از مخالفین دولت نظیر نخست وزیر سابق «میخائیل کاسیانف» و رهبر سابق اتحادیه نیروهای راست «بوریس نمتسف» پیش‌بینی می‌نمایند که در سال ۲۰۰۹ شاهد ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی در روسیه باشیم.<sup>(۹)</sup> افرادی نظیر «استفان بلانک» از کارشناسان برجسته مسائل روسیه نیز معتقدند «تردیدی در وقوع ناآرامی‌های اجتماعی در سال ۲۰۰۹ وجود ندارد... لکن نحوه برخورد دولت روسیه با این ناآرامی‌ها با موارد مشابه در دیگر کشورهای اروپای شرقی متفاوت خواهد بود».<sup>(۱۰)</sup> البته برخی وقایع نظیر تظاهرات مردمی در شهر ولادی‌وستوک که به دنبال افزایش حقوق گمرکی در منطقه خاور دور روسیه صورت گرفت و احتمال سرایت آن به مسکو و دیگر شهرهای روسیه مایه امیدواری مخالفین و مبنای طرح چنین فرضیاتی قرار گرفت. با این حال به نظر نمی‌رسد این‌گونه پیش‌بینی‌ها چندان با واقعیت‌های موجود در روسیه تطابق داشته باشد. کارشناسان غربی پیش از این نیز در تحلیل بحران اقتصادی اواخر دهه ۱۹۹۰ روسیه ارزیابی‌های مشابهی کرده بودند که تحولات بعدی، نادرستی این تحلیل‌ها را نشان داد. برای مثال، «توماس گراهام» کارشناس آمریکایی و از متخصصین برجسته مسائل روسیه، در تابستان ۱۹۹۹ و پس از بحران اقتصادی در روسیه چنین گفته بود که «بحران جاری در روسیه ممکن است موقت باشد اما تغییرات سریع در دنیای مدرن و روندهای سیاسی، اقتصادی و نظامی در اروپا و آسیا ممکن است بحران در روسیه را دائمی نماید. به همین دلیل، ما ناچاریم بطور جدی و سیستماتیک در مورد دنیای بدون روسیه فکر کنیم».<sup>(۱۱)</sup>

**روابط روسیه و آمریکا:** روابط روسیه و آمریکا پس از فروپاشی اتحاد شوروی همواره یکی از مهمترین موضوعات در عرصه سیاست بین‌الملل بوده است. روند و کیفیت روابط بین مسکو و واشنگتن همان‌گونه که در عصر جنگ سرد مهمترین عامل مؤثر در شکل‌گیری و ادامه بسیاری از تحولات جهانی بود، پس از فروپاشی اتحاد شوروی به‌ویژه از ابتدای قرن حاضر و روی کار آمدن ولادیمیر پوتین نیز در بسیاری از موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار است. اگر در دهه ۱۹۹۰ سیاست خارجی درون‌گرای روسیه چالش‌چندانی متوجه منافع جهانی و منطقه‌ای آمریکا نمی‌کرد، در دهه نخست قرن کنونی و با رستاخیز سیاسی و اقتصادی در روسیه، مسکو در پی ایفای نقشی مؤثرتر در صحنه جهانی و دفاع از منافع منطقه‌ای خود برآمده است.

شرایط کنونی در روابط روسیه و غرب نظیر سال‌های پس از جنگ جهانی دوم است که روسیه مانند اتحاد شوروی در پی اقتناع غرب به شناسایی موقعیت جدید آن است و همان‌گونه که «میخائیل گورباچف» در سخنرانی خود در دانشگاه هاروارد گفت: «روسیه می‌خواهد به عنوان یک شریک محترم در جامعه جهانی با آن برخورد شود. روسیه نقش برادر کوچک را نخواهد پذیرفت، نقشی که هر چه بگویند انجام دهد. ما نیازمند همکاری برابر هستیم.<sup>(۱۲)</sup> در مقابل، کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا با بی‌اعتمادی به اهداف جهانی و منطقه‌ای روسیه و در هراس از جاه‌طلبی این کشور، تاکنون به‌طور جدی به این خواسته روسیه تن در نداده‌اند. گرچه روسیه دیگر خود را دشمن غرب نمی‌داند و سال‌هاست که این کشور در اسناد سیاسی و امنیتی خود، واژه «دشمن» را حذف کرده است اما همزمان، روسیه نشان داده است که دیگر علاقه‌ای به دنبال کردن خط‌مشی ترسیم شده توسط رهبران این کشور در دهه ۱۹۹۰ ندارد. استراتژی جدید سیاست خارجی روسیه و تغییر الگوی روابط روسیه و غرب که به روشنی پس از روی کار آمدن ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ اتخاذ گردید مورد اجماع غالب نیروهای سیاسی کشور است.

«الکساندر لوکین» مدیر مرکز مطالعات آسیای شرقی و سازمان همکاری شانگهای در مؤسسه دولتی روابط بین‌الملل مسکو معتقد است «سیاست خارجی نوین که تأمین‌کننده منافع روسیه است باید جایگزین رویکرد سیاست خارجی پس از فروپاشی اتحاد شوروی باشد».<sup>(۱۳)</sup> وی الگوی قبلی روابط روسیه و غرب در دهه ۱۹۹۰ را منسوخ دانسته و بر این نکته تأکید دارد که «وضعیت جدیدی در جهان به وجود آمده است که آن را می‌توان «چندجانبه‌گرایی» به معنای واقعی کلمه نامید. عنصر اساسی این وضعیت، امتناع مسکو از ادامه پیروی از قواعد بازی طراحی شده توسط غرب و آمادگی برای مقابله با آن، به قیمت تقابل جدی، حداقل در حوزه‌هایی است که بر منافع حیاتی روسیه تحمیل گردیده است».<sup>(۱۴)</sup>

اگرچه روابط روسیه و آمریکا در دوره ریاست جمهوری جورج بوش ترکیبی از رقابت و همکاری بود لکن واشنگتن با پیگیری چند اقدام اساسی نظیر عضویت گرجستان و اوکراین در ناتو، استقرار سیستم سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی، تلاش برای استقلال کوزوو و دخالت در امور داخلی و محکوم کردن رهبران این کشور به اقتدارگرایی و نقض حقوق بشر و دیگر آزادی‌های اساسی، عملاً سیاست «تحریک

امنیتی» روسیه را تعقیب نمود. در عین حال، مسکو بیشترین بهره‌برداری را از سیاست‌های نابخردانه جورج بوش و درگیری این کشور در عراق و افغانستان نمود و با بهره‌گیری از افزایش سرسام‌آور قیمت نفت به بازسازی روسیه پرداخت.

همزمان، روسیه به بازسازی روابط با متحدین سنتی خود در خاورمیانه، آسیای شرقی و امریکای لاتین و حضور جدی در این مناطق پرداخت. سفر مدویدف به کشورهای پرو، برزیل، کوبا و ونزوئلا به همراه انعقاد توافقات مهم از صادرات تسلیحات تا ساخت نیروگاه هسته‌ای و سرمایه‌گذاری مشترک در بخش نفت و گاز از دستاوردهای راهبرد جدید روسیه است. اهداف روسیه در امریکای لاتین محدود به منافع اقتصادی نبوده و اقداماتی نظیر گشت‌زنی بمبافکن‌های استراتژیک TU160 در دریای کارائیب و اعلام چاوز مینی بر در اختیار گذاشتن پایگاه نظامی به روسیه و پهلو گرفتن کاروان کشتی‌های جنگی روسیه در سواحل ونزوئلا و کوبا همزمان با سفر مدویدف، به مفهوم توجه روسیه به اهداف و قواعد بازی ژئوپلیتیک و رقابت با غرب در امریکای لاتین تعبیر گردید. برخلاف عصر جنگ سرد، امریکای لاتین دیگر یک حوزه منفعل و صرفاً صحنه رقابت نیست بلکه با مشارکت در جهت‌گیری‌های اساسی نظام بین‌الملل، در کنار حضور سنتی آمریکا، توجه قدرت‌های بزرگی نظیر روسیه، چین و ایران را به خود جلب کرده است.

آنچه اکنون حائز اهمیت است، واکنش دولت جدید آمریکا در قبال روسیه جدید است. به اعتقاد «یوگنی کولسنیکوف» تحلیل‌گر روسی، «آمریکا در مورد اتخاذ سیاست در قبال روسیه بر سر دوراهی است و اوپاما باید تصمیم دشواری در رابطه با حوزه اوراسیا اتخاذ نماید. با این وجود، تیم کلینتون در وزارت خارجه و برخی مشاوران وی نظیر «زبیگنیو برژینسکی» خواهان تداوم سیاست مهار روسیه هستند. ادامه سیاست مهار روسیه براساس این ارزیابی استوار است که آمریکا قادر به تسلط بر جهان است به شرطی که چین متحد آمریکا باشد، اتحادیه اروپا درگیر مسائل داخلی باشد و نوعی نمایش قدرت هوشمندانه در دیگر نقاط جهان اعمال گردد».<sup>(۱۵)</sup>

واقعیت آن است که دولت جدید آمریکا از یک‌سو تمایلی به ادامه سیاست‌های تحریک‌آمیز بوش علیه روسیه ندارد و از سوی دیگر، توجه و تمرکز سنتی دمکرات‌ها بر مفاهیمی نظیر حقوق بشر و آزادی‌های اجتماعی می‌تواند روابط مسکو- واشنگتن را تحت تأثیر قرار دهد. ظاهراً دولت اوپاما با علم به چالش‌های پیش رو، ناگزیر است به

جای اتخاذ سیاست برتری‌جویی و تحقیر روسیه، دستور کار مشترک سیاسی - امنیتی با روسیه تعریف نماید. در اظهارات مقامات روسی نیز امیدواری بیش از نگرانی مشهود است. «سرگی لاوروف» وزیر خارجه روسیه با استقبال از روی کار آمدن اوباما در یک گفتگوی تلویزیونی اعلام داشت: «تردیدی ندارد تیم جدید در واشنگتن طرح‌های گسترش ناتو در اوکراین و گرجستان را متوقف خواهد کرد و در قبال طرح سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی موضع متفاوتی اتخاذ خواهد کرد».<sup>(۱۶)</sup>

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی، در صورتی که آمریکا تلاش نماید تا نقش و منافع روسیه در منطقه و جهان را نادیده انگارد، روسیه قادر خواهد بود شرایط را برای آمریکا پیچیده نموده و هزینه‌های آمریکا در نقاط مختلف جهان را افزایش دهد. روسیه از ابزار قابل توجهی نظیر انرژی، ارسال تسلیحات به کشورهای مخالف آمریکا و اعمال نظر در شورای امنیت سازمان ملل متحد برخوردار است. با این حال، ائتلاف با روسیه یک تحول بنیانی در سیاست آمریکا است که می‌تواند ماهیت ابرقدرتی این کشور را تحت تأثیر قرار دهد. البته غالب تحلیل‌گران معتقدند احتمال وقوع چنین تحولی زیاد نیست و سیاست‌های اوباما تنها منحصر به تغییرات محدودی نظیر تعویق طرح دفاع ضد موشکی و یا تعویق عضویت اوکراین و گرجستان در ناتو خواهد بود. به عبارتی، آمریکا ضمن مقابله با گسترش نفوذ و توان روسیه در حوزه شوروی سابق، تلاش خواهد کرد تا از ابزار کمتر تهاجمی در قبال روسیه استفاده نماید. به اعتقاد تحلیل‌گرانی نظیر «استفان بلانک»، هر دو کشور از کاهش تنش در روابط سود خواهند برد لکن به نظر نمی‌رسد آمریکا به رفتارهای تهاجمی روسیه در حوزه اوراسیا به بهای از دست‌دادن متحدان منطقه‌ای خود امتیاز دهد. وی موضوع برنامه هسته‌ای ایران را «یک آزمایش واقعی» برای ارزیابی روابط آتی روسیه و آمریکا برشمرد.<sup>(۱۷)</sup>

### ب) تحولات در قفقاز جنوبی

جنگ گرجستان و روسیه: «کارل فون کلاوزویتس»<sup>(۱۸)</sup> نظریه‌پرداز مشهور قرن ۱۹، در جمله معروف خود می‌گوید: «جنگ چیزی نیست جز ادامه دیپلماسی با ابزار دیگر. منافع سیاسی هدف است و جنگ وسیله نیل به این هدف. ابزار را نمی‌توان هرگز از اهداف تفکیک نمود».<sup>(۱۹)</sup> به عبارت دیگر، جنگ از سیاست جدا نیست و اهداف

نظامی با اهداف سیاسی رابطه تنگاتنگ دارند. در این چارچوب، نقش عناصری نظیر احساس، پرستیژ، افتخار، انتقام و غیره در تصمیم‌گیری در آغاز یک جنگ غیرقابل انکار است.

به پندار بسیاری از کسانی که نقش روسیه را در آغاز جنگ قفقاز پر رنگ‌تر می‌بینند، اقدام روسیه در چارچوب دیدگاه کلاوزویتس قابل تحلیل است. نکته مهم آن است که توسل به جنگ و به‌کارگیری قوای مسلح توسط روسیه و گرجستان بیش از هر چیز بیانگر آن است که اقدامات نظامی در اگوست ۲۰۰۸ نه تنها نباید واقعه‌ای تصادفی قلمداد گردد بلکه آن را بایستی برآیند تحولات و روندهای کوچک و بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای محسوب نمود.

در خصوص علل و زمینه‌های واقعه هشتم اگوست ۲۰۰۸ تحلیل‌های مختلفی از سوی محققین روسی و غربی ارائه شده است. برخی نیز نظیر «جیمز شر» مدیر برنامه روسیه و اوراسیا در «چتم هاوس» طی مقاله‌ای به معرفی مقصرین در جنگ قفقاز پرداخته و «ساکاشویلی رئیس‌جمهور گرجستان، ناتو، آمریکا، جامعه بین‌الملل و روسیه» را بنا به دلایل متفاوت به‌عنوان مقصر در جنگ معرفی کرد.<sup>(۲۰)</sup> با این حال، به‌نظر می‌رسد تقابل گرجستان با روسیه و تقابل روسیه با غرب از مهمترین عوامل و عناصر ایجادکننده جنگ در قفقاز باشد. رفتار گرجستان در منطقه که متکی به رابطه نزدیک با غرب بود روسیه را ناچار به توسل به زور در منطقه نمود. به رسمیت شناختن اوستیای جنوبی و آبخازیا موجب افزایش فشارهای جهانی به روسیه خواهد شد فرمان حمله به شهر تسخینوالی مرکز ایالت خودمختار اوستیای جنوبی در هفتم اگوست ۲۰۰۸ توسط رئیس‌جمهور گرجستان، مدویدف را ناچار به انتخاب یکی از دو گزینه سکوت و پذیرش اقدام گرجستان و تحمل تحقیر ملی و بین‌المللی و یا مقابله با ارتش گرجستان و تخریب ماشین جنگی ساکاشویلی نمود. روسیه راه دوم را انتخاب کرد و پس از عقب‌راندن ارتش گرجستان، در یک اقدام سیاسی مهم، استقلال دو منطقه اوستیای جنوبی و آبخازیا را به رسمیت شناخت.

با این حال، اقدام نظامی روسیه نه اقدامی ساده در جهت تنبیه دولت گرجستان و مقابله نظامی با آن بلکه پیامی به دولت آمریکا بود که روسیه قادر به مقابله با گرجستان و یا دیگر منافع آمریکا در حوزه اوراسیا است به نحوی که توانایی دفع آن امکان‌پذیر نباشد.<sup>(۲۱)</sup> بر این اساس، به اعتقاد برخی تحلیل‌گران غربی، «از دیدگاه

ژئواستراتژیک، جنگ اخیر در گرجستان آخرین نمایش در تلاش روسیه برای تغییر در ساختار امنیتی اروپا است که طی ۱۸ سال گذشته استقرار یافته است.<sup>(۲۲)</sup>

برخی تحلیل‌گران غربی نظیر «سوانته کورنل» که دیدگاه‌های تندی نسبت به روسیه دارند، معتقدند «شواهد محکمی وجود دارد که حمله روسیه به گرجستان حاصل یک برنامه‌ریزی دراز مدت و باهدف تغییر اساسی در موازنه قدرت در شرق اروپا صورت گرفته است».<sup>(۲۳)</sup> «کورنل» نتیجه می‌گیرد که «این امر بیانگر آن است که جنگ با گرجستان بخشی از تحول در سیاست خارجی روسیه در مسیر تهاجمی‌تر شدن محسوب می‌شود. در واقع، مسکو اکنون به‌طور آشکار در پی بازگشت به اروپای تقسیم‌شده به حوزه‌های نفوذ و نفوذ انحصاری در دولت‌های شوروی سابق بدون توجه به خواست رهبران و مردم آنان است».<sup>(۲۴)</sup> وی دیگر اهداف روسیه در جنگ با گرجستان را تلاش برای «سرنگونی دولت گرجستان» و «ترسیم مجدد نقشه سیاسی اوراسیا و بخش‌هایی از اروپا» می‌داند.<sup>(۲۵)</sup>

دیگر کارشناسان غربی اعتقاد دارند که «روسیه مصمم بود تا بدون توجه به اقدامات گرجستان، در تابستان ۲۰۰۸ جنگ را بر این کشور تحمیل نماید».<sup>(۲۶)</sup> آنان بر این باورند که «روسیه با اقدامات خود در اوستیای جنوبی، در واقع برای الکساندر ساکاشویلی رئیس‌جمهور گرجستان دام پهن نمود و وی «بلهانه» در این دام افتاد».<sup>(۲۷)</sup> سیاست‌مداران و محققین روس دیدگاه متفاوتی را مطرح نموده و جنگ با گرجستان را عمدتاً ناشی از سیاست‌های رئیس‌جمهور گرجستان، سیاست‌های غرب در منطقه و نگاه سلطه‌جویانه و تحقیرآمیز غرب نسبت به روسیه می‌دانند. به باور «الکساندر لوکین»، «روسیه با توسل به اقدام نظامی در اوستیای جنوبی اعلام کرد که پارادایم سیاست خارجی مابعد شوروی دیگر قابل قبول نیست. اقدام نظامی روسیه در حمایت از اوستیای جنوبی در اگوست سال گذشته الگوی قبلی روابط روسیه و غرب که در دهه ۱۹۹۰ ایجاد شده بود را تحت‌تأثیر قرار داد ... غرب با ترجیح منافع جزئی و کوتاه مدت در قیاس با روابط با روسیه، فرصتی تاریخی به منظور همکاری با روسیه و ادغام آن در نظام بین‌الملل را از دست داد».<sup>(۲۸)</sup>

همان‌گونه که در مورد زمینه‌های شکل‌گیری جنگ در قفقاز تنوع افکار و اختلاف‌نظر وجود دارد، درخصوص پیامدهای این واقعه نیز دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. پیامدهای بحران را نیز نظیر عوامل شکل‌گیری آن می‌توان به پیامدهای

کوتاه‌مدت و درازمدت تقسیم نمود. مهمترین پیامدهای کوتاه مدت بحران را می‌توان شکنندگی حاکمیت در گرجستان، لطمه به پرستیژ غرب به‌ویژه آمریکا در منطقه، وقفه در انتقال کالا و انرژی در منطقه، افت برخی شاخص‌های اقتصادی روسیه نظیر رشد اقتصادی، شاخص‌های بازار بورس، فرار سرمایه و کاهش سرمایه‌گذاری در روسیه برشمرد. براساس دیدگاه یک اقتصاددان غربی، در بدترین سناریو، می‌توان کاهش ۳۰ تا ۴۰ درصدی سرمایه‌گذاری در روسیه را شاهد بود.<sup>(۳۹)</sup> البته در کنار پیامدهای منفی مذکور برای اقتصاد روسیه، از جمله پیامدهای مثبت بحران آن بود که آذربایجان ناچار شد تا بخشی از نفت ارسالی خود از مسیر باکو-تفلیس-جیهان را از طریق خط لوله باکو-نووراسیسک ارسال نماید. برآورد یکی از کارشناسان دویچه بانک در مسکو این بود که این اقدام، ماهانه مبلغی معادل ۱/۳ میلیون دلار سود نصیب روسیه خواهد کرد.<sup>(۴۰)</sup>

پیامدهای درازمدت بحران نیز شامل ارتقاء موقعیت روسیه در منطقه و افزایش توان چانه زنی آن با دیگر کشورهای منطقه و غرب،<sup>(۴۱)</sup> تداوم وضعیت «نه جنگ نه صلح» بین روسیه و گرجستان، افزایش تمایل کشورهای اروپایی به کاهش وابستگی خود به روسیه در بخش انرژی. «میشائیل گلوس» وزیر اقتصاد آلمان در تاریخ ۲۹ اگوست ۲۰۰۸ اعلام داشت که وقایع در قفقاز، کاهش وابستگی به روسیه را ایجاب می‌نماید و دولت آلمان توسعه استراتژی ملی ذخیره گاز را مورد بررسی قرار خواهد داد.

در کنار پیامدهای فوق، جنگ در قفقاز نشان داد که از یک سو دولت‌های استقلال‌یافته همچنان آسیب‌پذیر بوده و قادر به تامین امنیت خود نیستند و از سوی دیگر، غرب نیز اراده و یا توانایی حمایت کامل حتی از نزدیک‌ترین متحدین و شرکای خود را در منطقه ندارد. این امر هم موجب نزدیکی بیشتر این کشورها به مسکو خواهد شد و هم می‌تواند آنان را به یافتن شرکای منطقه‌ای دیگر نظیر ایران و چین ترغیب نماید.

### ج) تحولات آسیای مرکزی

تعطیلی پایگاه هوایی آمریکا در قرقیزستان: در تاریخ سوم فوریه ۲۰۰۹، «کورمان بک باقی‌اف» رئیس‌جمهور قرقیزستان در خلال نشست خبری مشترک با رئیس‌جمهور روسیه، تصمیم خود مبنی بر الغای موافقتنامه اجاره پایگاه هوایی ماناس

توسط آمریکا را اعلام نمود. با بازگشت رئیس‌جمهور باقی‌اف به قرقیزستان، پارلمان بلافاصله در روز بعد اقدام به تصویب سه موافقتنامه بین روسیه و قرقیزستان کرد.<sup>(۳۲)</sup> پایگاه هوایی ماناس در اواخر سال ۲۰۰۱ و به دنبال لشکر کشی آمریکا به افغانستان و به منظور حمایت از نیروهای نظامی این کشور در عملیات در افغانستان از سوی دولت قرقیزستان در اختیار واشنگتن قرار گرفت. این پایگاه قادر به انتقال پانزده هزار سرباز و ۵۰۰ تن کالا در ماه به افغانستان و بالعکس بود. هر چند پس از این اقدام، دولت روسیه نیز در سال ۲۰۰۳ یک پایگاه هوایی در قرقیزستان ایجاد کرد لکن تحولات مربوط به پایگاه هوایی آمریکا در فرودگاه ماناس بیشکک همواره خبرساز بود.

موضوع تعطیلی پایگاه نظامی آمریکا در فرودگاه ماناس قرقیزستان پیش از این نیز از سوی مقامات قرقیز مطرح شده بود لکن مقامات آمریکایی توانسته بودند مقامات قرقیز را به تمدید حضور نیروهای آمریکایی در این پایگاه ترغیب نمایند. با بروز علائم جدیت و قاطعیت مقامات قرقیز در تعطیلی پایگاه، مقامات آمریکایی و ناتو امیدوار بودند «تصمیم مقامات قرقیزی نهایی نباشد»<sup>(۳۳)</sup> و در حالی که بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران مسائل منطقه احتمال می‌دادند دولت قرقیزستان از این اقدام صرف‌نظر نماید،<sup>(۳۴)</sup> بیشکک نهایتاً با تسلیم یادداشت فسخ قرارداد منعقد شده توسط مقامات قرقیز به مقامات آمریکایی، به واشنگتن شش ماه فرصت داد تا نیروهای خود را از این کشور خارج نماید.

در تحلیل عوامل مؤثر در تعطیلی پایگاه هوایی آمریکا در بیشکک، سه مؤلفه اساسی یعنی خواست و اراده مستقل دولت قرقیزستان در تعطیلی پایگاه، اعمال فشار روسیه و اقدامات نسنجیده آمریکا قابل ذکر است. در خصوص مؤلفه نخست، مقامات دولت قرقیزستان اتخاذ این تصمیم را ناشی از اراده و تمایل مردم و حکومت قرقیزستان و بی‌ارتباط با دیگر عوامل خارجی می‌دانند.<sup>(۳۵)</sup>

به اعتقاد برخی تحلیل‌گران، «نامیدی قرقیزستان از عملیات ناتو علیه طالبان در افغانستان موجب تیرگی روابط بیشکک واشنگتن شد. بسیاری در آسیای مرکزی دیگر به قابلیت‌ها و توانائی ناتو در مبارزه با دو تهدید مهم یعنی تروریسم و مواد مخدر اعتقادی ندارند... قرقیزستان و دیگر دولت‌های آسیای مرکزی در پی یافتن راه‌های دیگر به منظور تأمین امنیت منطقه هستند. به همین دلیل، این حکومت‌ها بتدریج از واشنگتن دور شده و بیشتر به مسکو و پکن نزدیک شدند».<sup>(۳۶)</sup>

در خصوص عامل دوم یعنی ایفای نقش روسیه در تعطیلی پایگاه، برخی منابع روسی میان اعطای کمک ۲/۱۵ میلیارد دلاری روسیه به قرقیزستان و بسته شدن پایگاه هوایی ماناس ارتباط نزدیکی می‌بینند و برخی نمایندگان مجلس قرقیزستان نظیر ایشاک ماسالیف معتقدند که «تصمیم متخذه مبنی بر بستن پایگاه هوایی ماناس می‌تواند به تقویت روابط میان قرقیزستان و مسکو مساعدت نماید».<sup>(۳۷)</sup> «رابرت گیتس» وزیر دفاع آمریکا نیز انگشت اتهام را به سوی مسکو دراز نمود. وی خطاب به مقامات روسی گفت: «شما از یک سو اظهارات مثبتی در مورد همکاری با ما در افغانستان ارائه می‌کنید و از سوی دیگر، علیه ما در موضوع پایگاه هوایی (ماناس) که برای ما بسیار مهم است اقدام می‌کنید».<sup>(۳۸)</sup>

البته روسیه هیچگاه به‌طور رسمی از اقدام قرقیزستان به عنوان اقدامی علیه آمریکا سخن نگفت لکن یک منبع آگاه در وزارت امور خارجه این کشور اظهار داشت: «ما نمی‌خواهیم مناقشه دیگری را (بر سر موضوع پایگاه ماناس) ایجاد کنیم اما برخی اقداماتی را که آمریکا با اتکا بر پایگاه‌های نظامی خود در قرقیزستان و ازبکستان انجام می‌دهد غیر مجاز است».<sup>(۳۹)</sup> به اذعان کارشناسان روسی، قول مساعد روسیه مبنی بر پرداخت ۲ میلیارد دلار وام و ۱۵۰ میلیون دلار کمک بلاعوض به قرقیزستان، اگر نه مهمترین عامل، لکن نقش مهمی در اعلام تعطیلی پایگاه توسط مقامات قرقیزی داشت.<sup>(۴۰)</sup>

در خصوص عامل سوم یعنی نقش آمریکا در تعطیلی پایگاه باید گفت که آمریکا در دوره ۷ ساله فعالیت پایگاه، دست به اقداماتی زد که در تصمیم‌گیری دولت قرقیزستان بسیار مؤثر بود. در اواخر سال ۲۰۰۶ در جریان تیراندازی یک نظامی آمریکایی، یک تبعه قرقیز کشته شد و همان‌گونه که وزیر امور خارجه قرقیزستان در جریان رأی‌گیری مجلس این کشور در مورد تعطیلی پایگاه اعلام کرد، «هیچ نظامی آمریکایی در این رابطه به دادگاه نرفت»<sup>(۴۱)</sup>

عدم پرداخت غرامت ۶۵۰ هزار دلاری ناشی از برخورد یک هواپیمای سوخت‌رسان آمریکایی با هواپیمای توپولوف ۱۵۴ متعلق به قرقیزستان در فرودگاه ماناس نیز از دیگر اقدامات آمریکا بود که با نارضایتی وزیر امور خارجه قرقیزستان مواجه شد.<sup>(۴۲)</sup>

عدم پرداخت کافی اجاره‌بهای پایگاه مشکل دیگری بود که همچنان مورد نارضایتی مقامات قرقیز بود. آمریکا در قبال اجاره فرودگاه ماناس می‌بایستی سالانه ۱۵۰ میلیون دلار پرداخت نماید.<sup>(۴۳)</sup> اهمیت این رقم هنگامی روشن می‌شود که کل بودجه نظامی قرقیزستان برای سال ۲۰۰۹، رقمی برابر با ۲۲ میلیون دلار تعیین شده است. به همین دلیل، «کورمان بک باقی‌اف» رئیس‌جمهور قرقیزستان در جریان سفر به مسکو، از نحوه پرداخت و عدم پرداخت کافی اجاره‌بهای این پایگاه توسط آمریکا ابراز گلایه نمود.<sup>(۴۴)</sup> وی همچنین از بدرفتاری نظامیان آمریکایی که منبع تنش بین نظامیان آمریکا و جمعیت محلی بودند گلایه نمود.<sup>(۴۵)</sup> نهایتاً این که پایگاه هوایی آمریکا در فرودگاه ماناس همچنین متهم به نقض قوانین زیست محیطی بود.

به نظر می‌رسد آنچه بیش از تعطیلی پایگاه در مرحله فعلی حائز اهمیت است، تلاش واشنگتن برای حفظ موقعیت خود در منطقه آسیای مرکزی و انتخاب گزینه مناسب برای جایگزین کردن قرقیزستان است. تاجیکستان اعلام داشت حریم هوایی خود را در اختیار آمریکا خواهد گذاشت، قزاقستان نیز اعلام کرده است که حاضر است راه‌آهن خود را جهت انتقال محموله به افغانستان در اختیار آمریکا قرار دهد. ازبکستان هم در مورد عرضه برخی اقلام مورد نیاز نظامیان آمریکا در افغانستان از بازار خود اظهار آمادگی کرد. همچنین، دبیر کل ناتو در همان مصاحبه با راديو «اکو مسکو» اعلام کرد آمریکا و روسیه در مورد راه‌اندازی مسیر ترانزیت و مخابرات از طریق خاک روسیه به افغانستان مذاکره خواهند کرد. با این حال هیچ‌یک از این کشورها در مورد در اختیار قرار دادن پایگاه نظامی به آمریکا به صراحت سخنی به میان نیاورده‌اند.

نکته کلیدی آن است که روسیه علی‌رغم اختلاف نظر در موضوعات مختلف با آمریکا، مایل نیست شاهد شکست کامل این کشور در افغانستان باشد. دمیتري مدویدوف رئیس‌جمهور روسیه در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با رئیس‌جمهور قرقیزستان در مسکو که در آن خبر تعطیلی پایگاه هوایی آمریکا در فرودگاه ماناس اعلام گردید اظهار داشت: «کشورهای ما به مساعدت به عملیات (نظامی) جاری در منطقه ادامه خواهند داد. هیچ‌کس نمی‌تواند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند. ما تمامی تعهدات خود را در چارچوب ائتلاف ضد تروریستی انجام خواهیم داد.»<sup>(۴۶)</sup> وی در اشاره‌ای آشکار به ائتلاف کشورهای عضو ناتو در افغانستان، تصریح کرد که «ما آماده اقدام مشترک با همه از جمله دولت‌های عضو ائتلاف هستیم».<sup>(۴۷)</sup>

هر چند مسکو به‌طور رسمی دخالت خود را در تعطیلی پایگاه هوایی امریکا در بیشکک انکار کرد اما غالب صاحب‌نظران، مسکو را برنده و واشنگتن را بازنده این واقعه می‌دانند. به اعتقاد «الکساندر لوکین»، «تصمیم قرقیزستان مبنی بر بستن پایگاه هوایی امریکا در ماناس، صحنه بازی امنیتی در آسیای مرکزی را تغییر می‌دهد. مخالفین حضور امریکا در آسیای مرکزی، تعطیلی پایگاه را پیروزی دیگری در مقابله با ادعای سلطه طلبی جهانی امریکا قلمداد می‌کنند».<sup>(۴۸)</sup>

**نزاع بر سر آب و انرژی در آسیای مرکزی:** سرچشمه نزاع بر سر آب و انرژی در آسیای مرکزی، اختلاف میان کشورهای منطقه در نحوه بهره‌برداری از دو رودخانه اصلی در آسیای مرکزی یعنی سیردریا (سیحون) و آمودریا (جیحون) است. سیردریا از قرقیزستان سرچشمه گرفته و پس از عبور از تاجیکستان و ازبکستان به قزاقستان می‌ریزد و رودخانه آمودریا که از مرز تاجیکستان و افغانستان سرچشمه می‌گیرد، پس از عبور از ازبکستان، وارد ترکمنستان می‌شود.

هر پنج دولت منطقه در مورد بهره‌برداری از منابع آبی این دو رودخانه ادعاهایی را مطرح می‌کنند. کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان در سرچشمه رودها موقعیت مناسبی برای بهره‌برداری از منابع آبی دارند که این امر مورد اعتراض ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان است که در پایین‌دست قرار گرفته‌اند. ۸۰ درصد از مسیر رودخانه آمودریا و یک درصد از مسیر رودخانه سیردریا در محدوده جمهوری تاجیکستان قرار گرفته و در مجموع بیش از ۵۵ درصد از مجموع رودخانه‌های جاری در آسیای مرکزی در این کشور جاری است.

در خصوص نحوه بهره‌برداری از منابع آبی منطقه تاکنون توافق‌نامه‌هایی بین کشورهای منطقه امضا شده است که مهمترین آنها توافقنامه ۱۸ فوریه ۱۹۹۲ است. همچنین کشورهای منطقه به‌ویژه تاجیکستان و قرقیزستان به منظور احداث سد و نیروگاه در مسیر این دو رودخانه، توافقنامه‌هایی با کشورهای نظیر روسیه، چین و جمهوری اسلامی ایران امضاء کرده‌اند.<sup>(۴۹)</sup>

کشورهای ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان که دارای منابع انرژی به‌ویژه نفت و گاز هستند، تلاش دارند تا با ایجاد محدودیت در صدور گاز به این دو کشور و افزایش قیمت آن، دو کشور تاجیکستان و قرقیزستان را به تأمین نظرات خود وادار نمایند. مقامات ازبکی با اعلام اینکه گاز را به قیمت بین‌المللی به دو کشور اخیر خواهند

فروخت، در پایان سال ۲۰۰۸، قیمت هر هزار متر مکعب گاز خود را از ۱۴۵ دلار در سال گذشته به ۲۴۰ دلار افزایش دادند.<sup>(۵۰)</sup>

ایفای نقش دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در نزاع آب و انرژی از مهمترین جنبه‌های این موضوع است. برخلاف دیگر موضوعات منطقه، آمریکا و اتحادیه اروپا دخالت چندانی در این موضوع ندارند. جمهوری اسلامی ایران نیز که با هدف مساعدت به توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای آسیای مرکزی اقدام به انعقاد موافقتنامه ساختن سد و توسعه نیروگاه برق در برخی کشورهای منطقه نموده، تأکید دارد در روابط دوستانه خود با کشورهای ذی‌نفع منطقه توازن ایجاد و مانع از تشدید اختلافات در منطقه شود.

نقش روسیه اما به دلیل اتخاذ برخی مواضع مورد توجه بیشتری است. نظرات مدویدوف در جریان دیدار رسمی از ازبکستان در روزهای ۲۲ و ۲۳ ژانویه که در آن گفت تمام نیروگاه‌های برق آبی در منطقه بایستی با در نظر گرفتن نگرانی‌های تمامی کشورهای همجوار احداث گردد، از سوی دوشنبه و بیشکک با نگرانی و اعتراض مواجه شد. واکنش مقامات تاجیک شدیدتر بود و آنان علی‌رغم تمامی اعتراضات، بر ادامه تلاش برای احداث نیروگاه‌های برق آبی تأکید نمودند. در ادامه این روند، در جریان سفر «امام‌علی رحمانف» رئیس‌جمهور تاجیکستان به مسکو، ملاقات برنامه‌ریزی شده وی با رئیس‌جمهور روسیه لغو گردید.

مواضع روسیه از سوی برخی کارشناسان با شک و تردید مورد تحلیل قرار گرفته است. «آلکسی مالاشنکو» کارشناس شعبه کارنگی مسکو در خصوص نقش روسیه در نزاع بر سر آب و انرژی در آسیای مرکزی معتقد است «مواضع روسیه در آسیای مرکزی بیانگر ناتوانی روسیه در ایفای نقش میانجی‌گری است... مسکو قادر به تحکیم موقعیت خود به نحوی که دو طرف مناقشه آن را بپذیرند نیست». وی می‌گوید: «تاجیکستان و ازبکستان علی‌رغم اختلاف‌نظرهای موجود، به این درک رسیده‌اند که بدون یک دیگر قادر به تداوم حیات نیستند. بنابراین، تلاش خواهند کرد تا میانجی‌های دیگری بیابند که بتوانند در شرایط جدید عمل نمایند. در چنین شرایطی، نقش مسکو در منطقه تضعیف خواهد شد.<sup>(۵۱)</sup> آندره گروزین کارشناس مسائل سیاسی در روسیه نیز معتقد است «مواضع روسیه، تاجیکستان را ناچار خواهد کرد تا به جای اتکا به مسکو به عنوان مهمترین شریک استراتژیک، در پی متنوع ساختن سیاست خارجی خود باشد.<sup>(۵۲)</sup>

**بحران سیاسی - اجتماعی در آسیای مرکزی: شرایط نامساعد اقتصادی،** پیامدهای بحران مالی بین‌المللی، فقدان منابع کافی انرژی و آغاز روند بازگشت کارگران مهاجر از روسیه در سال گذشته به همراه معضلات ساختاری در نظام سیاسی کشورهای آسیای مرکزی موجب شده است تا بسیاری از کارشناسان شرایط سیاسی و اجتماعی دشواری را برای کشورهای منطقه پیش‌بینی نمایند

افت شاخص‌های اقتصادی، افزایش تورم و معضلات ناشی از فقدان انرژی در منطقه گریبان‌گیر غالب کشورهای آسیای مرکزی بود لکن یکی از مهمترین مسائلی که می‌تواند پیامدهای گسترده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشته و موجودیت حکومت‌های منطقه را با تهدید مواجه نماید، موضوع بازگشت کارگران مهاجر از روسیه و دیگر کشورهای خارج از منطقه به موطن آنان است.

مطابق آمار موجود، حدود ۶ میلیون نفر از مردان و زنان کشورهای آسیای مرکزی به عنوان کارگران مهاجر در بخش ساخت‌وساز، کارخانجات، بازار میوه و تره بار و زمین‌های کشاورزی روسیه مشغول به کار هستند که از این رقم، حدود ۴ میلیون از یک میلیون تاجیک و نیم میلیون نفر قرقیز هستند.<sup>(۵۳)</sup> بر اساس آمار رسمی دولت تاجیکستان که در اوایل سال ۲۰۰۸ منتشر گردید، بالغ بر ۸۰۰ هزار نفر تاجیک برای یافتن کار در خارج از کشور، وطن خود را ترک کرده‌اند. در کنار آمار رسمی، برخی سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی نظیر «گروه بحران بین‌المللی» معتقدند که تعداد کارگران تاجیک در خارج از کشور از مرز ۱/۵ میلیون نفر نیز می‌گذرد.<sup>(۵۴)</sup>

شرایط کار در کشورهای میزبان بسیار دشوار است و کارگران از کمترین حمایت برخوردارند. آنان مورد تهاجم و تحقیر کارفرمایان، نیروی پلیس و گروه‌های نژادپرست قرار می‌گیرند به نحوی که هر سال تعداد قابل توجهی از آنان کشته می‌شوند. رئیس‌جمهور تاجیکستان در سخنرانی خود در جمع تاجیک‌های مقیم مسکو اعلام داشت که «از سال ۲۰۰۳ تعداد ۱۸۰۰ کارگر مهاجر در مسکو جان باخته‌اند». وی افزود: «در سال ۲۰۰۷ تعداد ۶۹ نفر به قتل رسیده‌اند، ۱۰۶ نفر در شرایط اضطراری جان باخته‌اند، ۳۲ نفر در تصادفات رانندگی کشته شده‌اند، ۱۳۹ نفر به واسطه بیماری و ۱۰ نفر نیز به دلایل نامعلوم از بین رفته‌اند».<sup>(۵۵)</sup>

اشتغال به کار کارگران مهاجر از دو منظر سیاسی و اقتصادی برای دولت‌های آسیای مرکزی حائز اهمیت است. از دیدگاه سیاسی، اکثریت مهاجرین کار در دهه دوم

زندگی خود قرار دارند و تقریباً تمامی آنان - ۹۲ درصد - از مردان هستند.<sup>(۵۶)</sup> با عنایت به سهم این افراد در کل جمعیت کشورهای منطقه، دوری آنان از سرزمین مادری می‌تواند خطر بروز ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی را کاهش دهد.

از دیدگاه اقتصادی، اشتغال به کار کارگران مهاجر، نرخ بیکاری را در کشور فرستنده کاهش می‌دهد. سازمان ملل متحد نرخ بیکاری در تاجیکستان را بالغ بر ۴۸/۲ درصد اعلام کرده و بر این باور است که ۵۳ درصد از مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند که درآمد روزانه ۱۷ درصد از آنان کمتر از ۸۵ سنت است.<sup>(۵۷)</sup> این در حالی است که رئیس‌جمهور تاجیکستان در سخنرانی خود در جمع تاجیکان مقیم روسیه در ۲۱ فوریه ۲۰۰۸ گفت: «به منظور حل و فصل مشکل بیکاری در تاجیکستان ما نیاز به ایجاد یک میلیون شغل جدید داریم» که این به معنای وجود بیکاری ۵۰ درصدی در این کشور است.<sup>(۵۸)</sup>

کارگران مهاجر همچنین با تزریق درآمدهای کسب کرده به موطن خود، مانع از گسترش فقر در این کشورها می‌شوند. بر اساس برخی داده‌ها، درآمد مهاجرین کار در کشورهای آسیای مرکزی نیازهای اولیه ۴۰ تا ۶۰ درصد از جمعیت این کشورها را برآورده ساخته و آنان را از فقر نجات می‌دهد.<sup>(۵۹)</sup> همچنین بنا به گزارش صندوق بین‌المللی پول، میزان درآمد مهاجرین کار در تاجیکستان در سال ۲۰۰۸ به رقم ۲/۳ میلیارد دلار بالغ گردید.<sup>(۶۰)</sup> رئیس اداره خدمات مهاجرت روسیه نیز میزان درآمد کارگران مهاجر تاجیک که در سال ۲۰۰۶ به کشورشان انتقال داده‌اند را ۲ میلیارد دلار اعلام کرد که طبق برآوردها، این مبلغ حداقل سه برابر حجم بودجه سالانه دولت تاجیکستان است. این مسئول روسی اظهار داشت مهاجران کشورهای آسیای مرکزی در سال ۲۰۰۶ حدود ۱۰ میلیارد دلار انتقال داده‌اند.<sup>(۶۱)</sup>

«زبیدالله سلطان‌اف» رئیس اداره امور مالی و اعتباری دانشگاه اسلاو روسی - تاجیک در یک کنفرانس بین‌المللی با عنوان «نقش مهاجرت در توسعه اجتماعی» اعلام داشت: «مجموع نقل و انتقال پول توسط کارگران مهاجر تاجیک در سال ۲۰۰۷ به حدود ۳ میلیارد دلار خواهد رسید که یک میلیارد دلار بیشتر از رقم سال گذشته می‌باشد».<sup>(۶۲)</sup>

باتوجه به برآوردهای موجود که بخشی از آن در ابتدای مقاله ذکر گردید، اقتصاد روسیه در سال ۲۰۰۹ با رکود جدی مواجه خواهد شد. نکته مهم آن است که

۷۰ تا ۸۰ درصد از کارگران مهاجر آسیای مرکزی در بخش ساختمان به کار مشغولند و این بخش در بحران اقتصادی کنونی بیش از دیگر بخش‌ها تحت تأثیر قرار گرفته است، بیکاری وسیع تری در انتظار کارگران مهاجر از آسیای مرکزی است. اعلام فرماندار منطقه «سورودلوفسک» روسیه در اوایل سال ۲۰۰۹ مبنی بر اینکه «در سال جاری هیچ‌گونه نیازی به نیروی کار غیر ماهر ندارد»<sup>(۶۳)</sup> زنگ خطر را برای مهاجرین کار در دیگر مناطق روسیه به صدا در آورده است.

حاصل آنکه، کاهش درآمد مهاجرین کار نه‌تنها تأثیر جدی بر اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی خواهد داشت بلکه بازگشت ناگهانی صدها هزار نیروی بیکار می‌تواند موجب طغیان احتمالی مردم فقر زده شده و پیامدهای سیاسی و اجتماعی غیرقابل پیش‌بینی برای حکومت‌های کشورهای آسیای مرکزی به همراه داشته باشد.

#### د) روند آتی تحولات در حوزه مشترک‌المنافع

به نظر می‌رسد تحولات آتی در حوزه مشترک‌المنافع بیش از آن که متأثر از مبانی داخلی باشد تحت تأثیر عواملی نظیر شرایط داخلی و رویکرد سیاست خارجی و امنیتی روسیه، سیاست‌های دولت جدید در آمریکا و نهایتاً روند و تحولات احتمالی در روابط روسیه و غرب به‌ویژه آمریکا قرار گیرد.

در خصوص عامل نخست، اقتصاد روسیه در شرایطی دشوار اما قابل کنترل است. دولت به خوبی از صندوق ذخیره ارزی استفاده می‌کند و امیدواری به افزایش بیشتر قیمت نفت می‌تواند شرایط را به میزان زیادی برای روسیه تسهیل نماید. پاسخ روسیه به بحران اقتصادی بین‌المللی نشان داده است که مسکو اعتماد بنفیس کاملی در مورد مدل توسعه اقتصادی و ذخایر انرژی خود دارد. علی‌رغم اخبار منتشره از سوی رسانه‌های غربی مبنی بر احتمال گسترش ناآرامی اجتماعی در روسیه به دلیل مشکلات اقتصادی، به نظر می‌رسد دولت روسیه قادر به مهار هرگونه پیامد سیاسی و اجتماعی نابسامانی اقتصادی و مالی کشور است.

با این حال، گرچه روسیه قوی‌تر شده است اما در مقابله با بحران‌ها از قابلیت نسبی برخوردار است. روسیه در برخی حوزه‌ها پیشرفت کرده اما نتوانسته است از برخی رقبا حتی در آسیا نظیر چین و هند پیشی بگیرد. شرایط دو سال آینده برای روسیه

بسیار حیاتی است و روسیه می‌تواند قوی‌تر و یا بر اساس پیامدهای بحران مالی بین‌المللی و کاهش قیمت‌های نفت ضعیف‌تر شود.

درخصوص رویکرد سیاست خارجی روسیه، ضمن تایید این نکته که روسیه به روشنی از الگوی سیاست خارجی خود در دهه ۱۹۹۰ فاصله گرفته است، نیازمند تحول بزرگتری در ماهیت و محتوای سیاست خارجی خود است. این نکته را «الکساندر لوکین» به خوبی بیان کرده است. وی با اشاره به اینکه سیاست خارجی روسیه تزاری و اتحاد شوروی دارای ایده و جذابیت بوده اند، معتقد است که «سیاست خارجی روسیه اکنون هیچ آرمان و اعتقادی که اتباع روسیه خود را قربانی آن کنند ارائه نمی‌کند. قدرت نرم، جذابیت غیرتهاجمی و نفوذ ایدئولوژیک و اخلاقی آن به نقطه صفر رسیده است. نه یک ایده دموکراتیک (نظیر آمریکا) را تعقیب می‌کند و نه یک ایده بنیادگرا (نظیر برخی کشورها و جنبش‌های اسلامی)، نه یک مدل موفق همگرایی بر اساس دموکراسی (نظیر اتحادیه اروپا) و نه الگویی از توسعه سریع (نظیر چین) ارائه کرده است. روسیه نه یک متحد اساسی و مفید برای دیگر کشورها است (نظیر ژاپن برای آمریکا) و نه دشمن جدی کشوری دیگر است (نظیر ایران برای آمریکا)... هدف، آرمان و جذابیت باید در مرکز توجه سیاست خارجی روسیه قرار گیرد»<sup>(۶۴)</sup>. لوکین تحول در سیاست خارجی روسیه را مستلزم اتخاذ برخی تدابیر می‌داند که از آن جمله، «تدوین منافع ملی، درک اینکه کدامیک از این منافع مرتبط با منافع بازیگران اصلی بین‌المللی در عرصه سیاست جهانی است، تبدیل حوزه‌های منافع متقابل به خطوط راهنما برای جذابیت در سیاست خارجی و همکاری در این حوزه‌ها به منظور ترغیب شرکا به اعطای امتیاز به روسیه در موضوعاتی که منافع آنان در تضاد با منافع روسیه نیست»<sup>(۶۵)</sup>.

درخصوص عامل دوم یعنی سیاست‌های دولت جدید آمریکا در قبال حوزه شوروی سابق، گرچه هنوز موضع روشنی از سوی اوباما و تیم سیاست خارجی وی که متفاوت از رویکرد دولت جورج بوش باشد اعلام نشده است لکن به نظر می‌رسد دولت جدید آمریکا سیاست‌های پیشین را با مدنظر داشتن برخی واقعیت‌های موجود به‌ویژه نقش روسیه و منافع منطقه‌ای این کشور، اصلاح نماید. «سرگئی روگوف» مدیر مؤسسه مطالعات آمریکا و کانادا آکادمی علوم روسیه معتقد است که نکات بسیاری در مورد اوباما غیر قابل پیش‌بینی است لکن نکته‌ای که به روشنی قابل پیش‌بینی است آن است که اوباما خواهان شروع یک جنگ سرد جدید با روسیه نیست.<sup>(۶۶)</sup>

«جیمز نیکسی» کارشناس برجسته مسائل روسیه در «چاتم هاوس» بر این اعتقاد است که «بزرگترین نگرانی آمریکا این است که روسیه ممکن است بر این باور باشد که تعهد آمریکا به کشورهای قفقاز جنوبی، آسیای مرکزی و حوزه غربی شوروی سابق محدود و ضعیف شده است. روسیه ممکن است در نتیجه، در پی توسعه نفوذ خود در یک یا تمامی این کشورها برآید. واقعیت تلخ آن است که منافع روسیه در گرجستان و دیگر کشورهای شوروی سابق بسیار بیشتر از آمریکا است به نحوی که حاضر است روابط خود با آمریکا را قربانی آن کند».<sup>(۶۷)</sup>

درخصوص روابط روسیه و آمریکا، احتمالات متعددی به ذهن متبادر می‌گردد. تشدید مناقشه بین روسیه و آمریکا در شرایطی امکان‌پذیر است که از یک سو روسیه به اعمال فشار بر متحدین آمریکا در منطقه ادامه دهد و از سوی دیگر، غرب نیز به سیاست تهاجمی علیه روسیه، اعمال فشار به روسیه در عرصه‌های حقوق بشر و دموکراسی، اصرار بر گسترش ناتو در اوکراین و گرجستان، استقرار سپر دفاع موشکی و تحریک امنیت روسیه در دیگر عرصه‌ها ادامه دهد. فراموش نکنیم که برخی از کارشناسان در تیم سیاست خارجی اوباما همچنان طرفدار سیاست مهار هستند.<sup>(۶۸)</sup> برای این گروه از مقامات آمریکایی، مخالفت آشکار روسیه با سلطه‌طلبی و یک جانبه‌گرایی آمریکا در صحنه بین‌الملل قابل هضم نیست.

تفاهم کامل در روابط روسیه و غرب نیز در شرایطی میسر است که غرب از فضای ذهنی و رویای دهه ۹۰ در روابط با روسیه خارج شده و ضمن پذیرش مشارکت روسیه در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، چارچوب جدیدی در روابط با روسیه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی و به رسمیت شناختن طراحی نماید. در آمریکا برخی از سیاستمداران و کارشناسان طرفدار چنین رویکردی هستند. «توماس فریدمن» تحلیل‌گر روزنامه «نیویورک تایمز» از منتقدین سیاست مهار روسیه در مقاله‌ای در این روزنامه در نیمه اگوست ۲۰۰۸ می‌گوید «هیچ مشکل بزرگی در دنیا نیست که بتوان بدون روسیه آن را حل و فصل نمود». این رویکرد نزد محققین و برخی سیاستمداران روسی نیز دیده می‌شود. از دیدگاه آنان، «آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی منافع مهمی در همکاری با روسیه دارد. روسیه و آمریکا ۹۰ درصد از سلاح‌های هسته‌ای جهان را در اختیار دارند. روابط روسیه با ایران، سوریه، کره شمالی و دیگر دولت‌های مسئله‌ساز، موقعیت جغرافیایی در میان دریای سیاه، دریای خزر و آسیای مرکزی،

قابلیت آن در تسهیل عملیات نیروهای ناتو در افغانستان، همکاری روسیه در ایجاد نظم جهانی امن‌تر را ضروری می‌سازد».<sup>(۶۹)</sup>

دو سناریوی فوق به دلیل عدم انطباق با واقعیت‌های موجود در روابط روسیه و آمریکا، حداقل در میان‌مدت غیر محتمل است. به نظر می‌رسد روابط دو کشور همچنان از قاعده رقابت- همکاری در عرصه‌های مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای پیروی نماید. غرب به اعمال فشار به روسیه بدون آن که به خطوط قرمز روسیه وارد شود ادامه خواهد داد و روسیه نیز در مقولاتی نظیر تروریسم، اشاعه هسته‌ای و مقابله با افراط‌گرایی و جنایات سازمان‌یافته با غرب همکاری می‌کند. «آلکسی موخین» مدیرکل مرکز اطلاعات سیاسی روسیه بر این باور است که «استراتژی دو کشور روسیه و آمریکا متفاوت است اما دارای اهداف تاکتیکی مشترک هستند. بنابر این دو کشور ناچار به تقویت روابط در دوره اوباما خواهند بود».<sup>(۷۰)</sup>

در قفقاز، اوضاع بسیار شکننده است. دولت ساکاشویلی کاملاً بر لبه تیغ گام بر می‌دارد و احتمال سرنگونی آن تحت فشار مخالفین وجود دارد. بدبهی است مخالفین ساکاشویلی برای تسریع در برکناری وی بایستی نظر مساعد غرب به‌ویژه آمریکا را جلب نمایند. از سوی دیگر، حتی در صورت حذف ساکاشویلی از صحنه قدرت، وضعیت «نه جنگ- نه صلح» در روابط مسکو- تفلیس تا آینده قابل پیش‌بینی باقی خواهد بود.

بعید است کشور دیگری استقلال اوستیا و آبخازیا را به رسمیت بشناسد. در عین حال، اوستیای جنوبی شانس چندانی برای ادامه بقا به عنوان یک دولت مستقل ندارد لذا تشدید وابستگی و احتمال انضمام آن به روسیه بیشتر از آبخازیا وجود دارد. دو کشور دیگر قفقاز جنوبی یعنی آذربایجان و ارمنستان نیز با درس‌هایی که از بحران گرجستان گرفته‌اند، تلاش خواهند کرد تا بیش از گذشته منافع روسیه را در منطقه مدنظر قرار دهند. البته این به معنی رویگردانی از غرب نیست بلکه مسیر گذشته در روابط با غرب به همراه ملاحظات روابط روسیه ادامه خواهد یافت.

در آسیای مرکزی، تهدید علیه حاکمیت‌های موجود به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی، بازگشت مهاجرین می‌تواند تشدید گردد. به‌علاوه، همان‌گونه که یکی از محققین «چاتم هاوس» می‌گوید: «هیچ‌یک از دولت‌های حوزه شوروی سابق نتوانسته‌اند روابط مبتنی بر نومنکلاتورا به‌عنوان مبنای روابط قدرت را از بین ببرند. نظام کاملاً

فئودالی است و اصطلاح «خاندان» عمدتاً برای تعریف گروه نخبگان در این کشورها استفاده می‌شود.<sup>(۷۱)</sup> بر این اساس، به دلیل آنکه حاکمیت نظام‌های خاندانی و فئودالی در برخی از این کشورها، هر گونه مصالحه و یا تحول مسالمت‌آمیز در ساختار حاکمیت را با دشواری مواجه می‌سازد، تغییرات عمدتاً خشونت‌آمیز بوده و با هدف سرنگونی کامل حکومت‌ها و حذف آنها صورت می‌گیرد.

در خاتمه، این اظهار نظر «سر فردریک استار» محقق برجسته مسائل آسیای مرکزی قابل تامل است که «آسیای مرکزی به دلیل تعاملات اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر ویژگی‌های ساختاری و ارتباطات روان، یک «منطقه» منحصر به فرد است.<sup>(۷۲)</sup> بنابراین، فرصت‌ها و چالش‌ها در درون منطقه نیز منحصر به یک کشور خاص نبوده و پیامدهای آن متوجه تمامی کشورها و جوامع منطقه خواهد بود.

#### یادداشت‌ها

1. Nikola Krastev. "Can Obama, Medvedev Put US-Russia Ties On Fresh Path? *Radio Free Europe Radio Liberty*, January 25, 2009, Available at <http://www.rferl.org/articleprintview/1374505.html>
2. Bobo Lo. "Russia's Crisis: What it Means for Regime Stability and Moscow's Relations with the World", *Policy Brief*, Center for European Reform, Available at <http://www.cer.org.uk>
3. John Thornhill. A big Player seeks its role, *Financial Time*, January 23, 2008, Available at [http://www.ft.com/cms/s/420fbc62-c7c1-11dc-a0b4-0000779fd2ac.dwp\\_uuid=73b9f204-](http://www.ft.com/cms/s/420fbc62-c7c1-11dc-a0b4-0000779fd2ac.dwp_uuid=73b9f204-)
4. Vladimir Frolov. "Will the Economic Crisis Cause Political Unrest in Russia? *Russia Profile*, Weekly Experts Panel, Available at <http://www.russiaprofile.com/page.php?pageid=Experts%27+Panel&articleid=a1233335>
5. Jessica Bachman. "Unemployment Hits 6-Year High of %1.8, *The Moscow Time*, February 20, 2009, p.7.
6. Roland Oliphant. "Hanging in the Balance", *Russia Profile*, Available at <http://www.russiaprofile.com/page.php?pageid=Bussiness&articleid=a12336361308&print>
7. <http://www.itar-tass.com/eng/prnt.html?NewsID=13593389>
8. [http://www.transparency.org/publications/annual\\_report](http://www.transparency.org/publications/annual_report)
9. Frolov, *Op.cit.*
10. *Ibid.*
11. Thornhill, *Op.cit.*
12. *Ibid.*

13. Alexander Lukin. "From a Post-Soviet to a Russian Foreign Policy", *Russia in Global Affairs*, No.4, October-December 2008, Available at <http://eng.globalaffairs.ru/printver/1239.html>
  14. *Ibid.*
  15. Vladimir Frolov. "What's in Obama for the Kremlin? Russia Profile, Weekly Experts Panel, Available at: <http://www.russiaprofile.com/page.php?pageid=Experts%27+Panel&articleid=a1232729>
  16. *Ibid.*
  17. *Ibid.*
  18. Karl Von Clausewitz
  19. Howard M. and Paret P. (eds. And trans.), Karl von Clausewitz, *On War*, Princeton NJ, Princeton University Press, 1976, pp.86ff.
  20. James Sherr. "Culpabilities and Consequences", *Chatham House, REP BN 08/01*, September 2008, Available at <http://www.chathamhouse.org.uk>
  21. Jon E.Chicky. "The Russian-Georgian War: Political and Military Implications for U.S. Policy", *Policy Paper*, Central Asia and the Caucasus Institute/ Silk Road Studies Program, February 2009, p.4. Available at <http://www.silkroadstudies.org>
  22. *Ibid.*, p.3.
  23. Svante Cornell. "Pipeline Power: The War in Georgia and the Future of the Caucasian Energy Corridor", *Business & Power*, Winter/Spring 2009, p.131.
  24. *Ibid.*
  25. *Ibid.*, p.134.
۲۶. برای مثال، مراجعه کنید به:
- Svante E. Cornell, Johanna Papjanevski and Niklas Nilsson. "Russia's War in Georgia: Causes and Implications for Georgia and the World", *Policy Paper*, Central Asia-Caucasus Institute and Silk Road Studies Program, August 2008, Available at <http://www.silkroadstudies.org>
۲۷. برای نمونه، مراجعه کنید به:
- Michael Emerson. "Post Mortem on Europe's First War in the 21<sup>st</sup> Century", *Policy Brief*, No.167, Center for European Policy Studies, 27 August 2008, Available at <http://www.ceps.eu>
28. Lukin, *Op.cit.*
  29. Philip Hanson: The August 2008 Conflict: Economic Consequences for Russia, *Policy Paper*, Chatham House, September 2008, p.3.
  30. *Ibid.*, p.2.
  31. *Ibid.*, p.3.
  32. Gregory Gleason. "Kyrgyzstan's Multivector Foreign Policy Unravels, *Radio Free Europe/Radio Liberty*, February 11, 2009, Available at <http://www.rferl.org/articleprintviw/1491581.html>

۳۳. مصاحبه دبیرکل ناتو با *راديو/اکو ماسکوا* مورخ ششم فوریه ۲۰۰۹.
۳۴. برای مثال، صنوبر شرماتووا کارشناس برجسته مسائل آسیای مرکزی در ۲۰ سال گذشته و عضو شورای کارشناسان خبرگزاری ریا-نووستی روسیه اظهار داشت: «تصور نمی‌کنم دولت قرقیزستان پایگاه را در آینده نزدیک، حداقل به‌طور کامل تعطیل نماید. آنها ممکن است وضعیت پایگاه و یا حتی نام آن را تغییر دهند اما بستن در بر روی آمریکا در جهت منافع روسیه و قرقیزستان نیست. روسیه ممکن است از تصمیم متخذه مبنی بر تعطیلی پایگاه به عنوان برگ برنده در مذاکرات آتی با آمریکا در خصوص خلع سلاح و یا گسترش ناتو به گرجستان و اوکراین استفاده کند و قرقیزستان نیز می‌تواند از این موضوع در جهت دریافت کمک‌های اقتصادی بیشتر از آمریکا بهره‌برداری نماید. ببینید:
- Dmitry Babich. “In Nobody's Interest”, *Russia Profile*, February 4, 2009, Available at <http://www.russiaprofile.com/page.php?pageid=International&articleid=a1233763414&print>
۳۵. سفیر قرقیزستان در تهران در ملاقات با آقای دکتر آهنی معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه در تاریخ ۸۸/۱/۲۴ و در حضور نگارنده بر این امر تأکید نمود.
36. Alexander Lukin. “Kyrgyzstan Sharp Turn toward Moscow”, *The Moscow Times*, No.4080, 06 February 2009, Available at <http://moscotimes.ru/articles/detail.php?ID=374323&print=Y>
37. Leila Saralayeva, *The Moscow Times*, February 20, 2009, p.3.
38. *Ibid.*
39. Dmitry Babich. “In Nobody's Interest”, *Russia Profile*, February 4, 2009, Available at: <http://www.russiaprofile.com/page.php?pageid=International&articleid=a1233763414&print>
40. Lukin. “Kyrgyzstan Sharp Turn toward Moscow”, *Op.cit.*
41. Saralayeva, *Op.cit.*
42. *Ibid.*
۴۳. در دوره حاکمیت عسگر آقایف، رئیس جمهور پیشین قرقیزستان، میزان اجاره بهای پایگاه ماناس تنها ۶۳ میلیون دلار در سال بود.
44. *Ibid.*
45. Lukin. “Kyrgyzstan Sharp Turn toward Moscow”, *Op.cit.*
46. Babich, *Op.cit.*
47. *Ibid.*
48. Lukin. “Kyrgyzstan Sharp Turn toward Moscow”, *Op.cit.*

۴۹. در ۱۶ اکتبر ۲۰۰۴ موافقت‌نامه احداث نیروگاه برق آبی‌سنگ توده ۱ بین روسیه و گرجستان امضا شد. احداث نیروگاه راغون را نیز روسیه تقبل نموده و تأسیس نیروگاه سنگ توده ۲ در تاریخ ۱۲ ژوئن ۲۰۰۵ به جمهوری اسلامی ایران واگذار گردید.

۵۰. گزارش سفارت جمهوری اسلامی ایران در دوشنبه به نقل از *هفته نامه زندگی*، چاپ دوشنبه شماره ۳ مورخ ۲۲ ژانویه ۲۰۰۹.

51. Farangis Najibullah. "Central Asia's Great Water Game", *Radio Free Europe/Radio Liberty*, February 04, 2009, Available at <http://www.rferl.org/articleprintview/1379034.html>

52. *Ibid.*

۵۳<sup>۱</sup>. علیرضا ترابی‌کیا، گزارش شماره ۵۰۴۰، مورخه ۸۷/۱۲/۵ سفارت جمهوری اسلامی ایران در عشق‌آباد.

54. International Crisis Group. "Tajikistan: On the Road to Failure", *Asia Report*, No.162, 12 February 2009, p.9.

55. *Ibid.*, p.11.

56. *Ibid.*, p.9.

57. *UNESCO 2008 National Report on Adult Education*, cited in Tajikistan Humanitarian Food Security Appeal, OCHA, September 2008.

58. International Crisis Group. *Op.cit.*, p.11.

59. *Ibid.*, p.10.

60. *First Assessment Under the 2008 Staff-Monitored Program*, IMF, 10 December 2008, p.19, available at <http://www.imf.org/external/pub/ft/scr/2008/cr08382.pdf>

۶۱. ترابی‌کیا، *پیشین*.

۶۲. *همان*.

63. *Asia-Plus News Agency*, 29 January 2009, Available at <http://asiaplus.tj/news/19/46147.html>

64. Lukin, "From a Post-Soviet to a Russian Foreign Policy", *Op.cit.*

در ادبیات سیاسی روسیه، علاوه بر الکساندر لوکین، تحلیل‌گران دیگری نیز بر این نکته تأکید کرده‌اند که روسیه بایستی سیاست خارجی خود را بر اساس اهداف آرمانی و یا عمل‌گرایانه مطابق با منافع استراتژیک خود تدوین نماید. برای مثال، نگاه کنید به:

Alexi Arbatov. "Do not Throw Stones in a Glass House", *Russia in Global Affairs*, No.3, July-September 2008.

65. Lukin, *Ibid.*

Alexi Arbatov, *Op.cit.*

برای مثال، نگاه کنید به:

66. Sergei Balashov. "Obama's Feelings for Russia", *Russia Profile*, Available at

<http://www.russiaprofile.com/page.php?pageid=International&articleid=a1232645031&print>

67. James Nixey. "US-Russia Relations after the Events of August 2008", Chatham House, REO BN 08/05, September 2008, Available at <http://chathamhouse.org.uk>

۶۸. البته نگرانی‌های آمریکا نسبت به روسیه قبل از جنگ روسیه و گرجستان نیز وجود داشت لکن واکنش شدید روسیه به تهاجم گرجستان به اوستیای جنوبی فرصت بیشتری به جناح تندرو در آمریکا علیه روسیه داد. پیشنهادات و توصیه‌های شورای روابط خارجی در ماه مارس ۲۰۰۶ بیانگر نگرانی‌های آمریکا نسبت به روسیه است. استفان سستانوویچ که مسئولیت مدیریت کارگروه تهیه گزارش را بر عهده داشت، مشاور امور روسیه باراک اوباما به هنگام انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود. این سند یکی از اسناد و انتشاراتی بود که در آن اخراج روسیه از گروه هشت کشور صنعتی درخواست شده بود. برای دیدن این سند مراجعه کنید به:

*Russia's Wrong Direction*, Council on Foreign Relations, March 2006.

69. Kuchins, Nikonov, Ternin. *US-Russia Relations: the Case for an Upgrade*, Carnegie Center for International Peace, January 2005.

70. Balashov, *Op.cit.*

71. Andrey Ryabov. "Obstacles to Democratic Transition in Contemporary Russia", *Roundtable Summary*, Chatham House, Available at <http://chathamhouse.org.uk>

72. Fredrick Starr. "In Defence of Greater Central Asia", *Policy Paper*, September 2008, Central Asia-Caucasus Institute/Silk Road Studies Program, Available at <http://www.silkroadstudies.org>